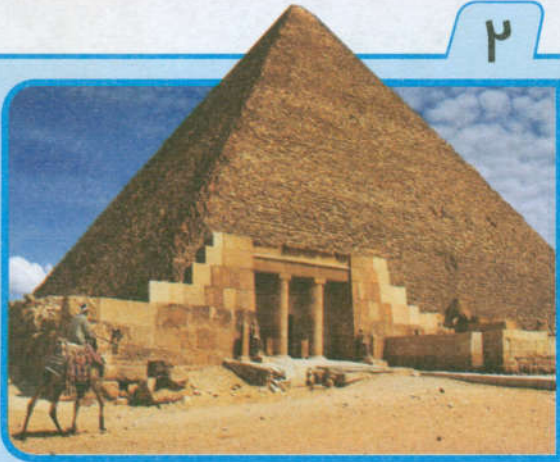


۲



بازهم سعودی‌ها خواب نمایشند!

«الشرق الاوسط» روزنامه سعودی مدعی نگرانی مصری‌ها از نفوذ ایران در این کشور به واسطه فعالیت‌های گردشگری شدند. دولت مصر ادعای عربستان سعودی را رد کرد.

ما نمی‌دانیم کی دایه‌گی کشورهای عرب منطقه را داده‌اند به کشور دوست و برادر عربستان؟! عراق جنگ می‌شود عربستان می‌پرد وسط، بحرین اعتراض می‌شود عربستان چنگ و دندان نشان می‌دهد، سوریه آشوب می‌شود عربستان به تکاپو می‌افتد و مخالفین دولت و آشوبگران را همه جوهره شارژ می‌کند. حالا هم که نوبت مصر شده.

همین طور پیش برود حتما فردا می‌خواهد بیاید گود عرب‌های تهران هم یک دهک کنسولگری بزند برای دخالت!

جناب سعودی که اسم خودت را گذاشته‌ای روی کشور حجاز! باور کن مصر به سن قانونی رسیده و قیّم و وکیل و وصی نمی‌خواهد. اگر شما خیلی بیل‌زنید؛ بروید همان کشور خودتان را بیل بزنید که یکی از عقب افتاده‌ترین کشورها از نظر سیاسی، علمی و صنعتی است. مگر شما سخنگوی دولت مصر هستید که اینقدر وراچی می‌کنید؟ بروید جلوی خانه خودتان بازی کنید و گرنه...



گوسفند ژئوپلیک چیست؟!

روزنامه مسکو تایمز: «ژئوپلیک گوسفند در یک منطقه ارمنی نشین / چوپان‌های ایرانی امنیت ارمنستان را تهدید می‌کنند.»

بیشتر اوقات آدمیزاد آنقدر درگیر و مشغول مسائل خودش است که یادش می‌رود مسائل کوچک و ریز چقدر می‌توانند مهم و تأثیرگذار باشند. اما سیاستمداران واقعی مثل آدمیزادهای معمولی نیستند که با گفتن «ف» فقط بپرند تا «فرحزاد». آن‌ها خیلی خیلی که دست‌کم بگیرند و کم بپرند، می‌روند تا نزدیکی‌های قله «کلک‌چال»!

جریان این گوسفند زبان بسته هم از همین نوع است و گرنه عقل کدام بنی بشری به اینجا می‌رسد که چند هزار گوسفند و چندین چوپان ایرانی نی به کمر، بتوانند امنیت کشور ارمنستان را به هم بزنند؟! تنها به دلیل این که آذری زبان هستند و چند قبضه تفنگ شکاری هم دارند؟!

اما معلوم است تحلیل‌گران این روزنامه از همان‌هایی هستند که پیچش مو که هیچ، ریزشش را هم در یک آن می‌بینند و محاسبه می‌کنند. خلاصه که حواس‌تان باشد گوسفند می‌تواند یک خطر سیاسی محسوب شود علی‌الخصوص که گوسفندش متعلق به ایرانی‌ها باشد!

۳

بهانه جدید هستی!

«شورای همکاری خلیج فارس در مورد «فاجعه‌های احتمالی نیروگاه بوشهر، تشکیل جلسه داد.»

قبل از این که به تحلیل خبر بپردازیم، می‌توانید حدس بزنید این نشست ابتکار کدام کشور بوده و در کجا تشکیل می‌شود؟! بله درست حدس زدید طبق معمول کشور دوست و برادر عربستان سعودی! و محل تشکیل جلسه هم شهر فتنه‌ها، ریاض.

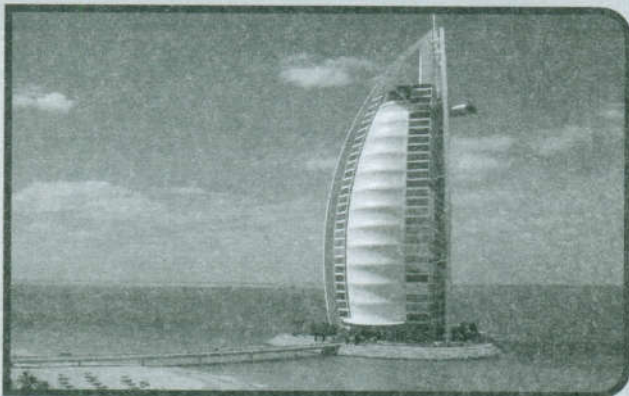
اصلا ما مانده‌ایم با محبت‌های این کشور دوست و برادر چه کنیم؟! درست زمانی که چند روزی از فاجعه زلزله بوشهر نگذشته و حتی دشمن دیرینه و آن‌ور دنیایی ما یعنی ایالات متحده، آمادگی‌اش را برای کمک به زلزله‌زدگان اعلام می‌دارد، این چند کشور موسوم به شورای همکاری خلیج فارس دور هم جمع شدند تا از آب گل‌آلود ماهی گرفته و دغدغه سیاسی دیگری را گریبان‌گیر کشورمان کنند، آن هم به بهانه این که زیرساخت‌های امنیتی نیروگاه بوشهر غیر استاندارد است و چون بوشهر به کشورهای حوزه خلیج فارس نزدیک است احساس خطر

می‌کنند.

این در حالی است که کارشناسان داخلی و خارجی اعلام کرده‌اند نیروگاه بوشهر هیچ آسیبی ندیده است و تا ۸ ریشتر تحمل مقاومت دارد. حالا یکی نیست به این بدبخت‌ها بگوید خداوکیلی شما از نیروگاه بوشهر احساس خطر می‌کنید یا از قدرت روزافزون و پیشرفت سریع کشور بزرگ ایران؟!

اما چه فایده که مشکل جای دیگر است و به قول شاعر: دشمن دوست‌نما را نتوان کرد علاج





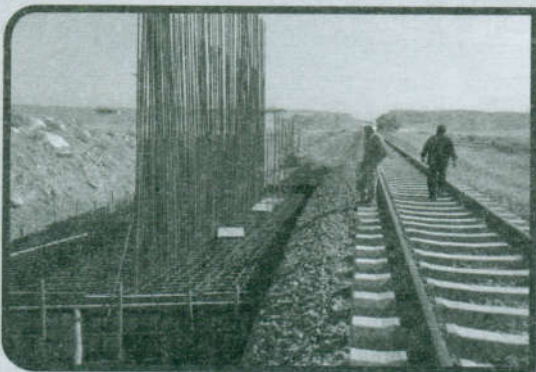
این دوی به وابسته

«وابستگی ۷۰ درصدی تجارت غیر نفتی دوی به ایران و هند.»

حالا خوب است که ۷۰ درصد به ما و هند وابسته هستند و اینقدر موش دوانی می کنند، اگر اینقدر وابسته نبودند و یک کشور بزرگ و درست و حسابی و یک فرهنگ متمدن قدیمی داشتند که حتما در مسائل سیاسی فیل دوانی می کردند!

ای خدا چه می شد چند سالی این نفت بی زبان جایش را عوض می کرد و می رفت یک منطقه دیگر جهان تا همه می دیدند این کشورهای پر مدعی کارشان به کجا می کشد.

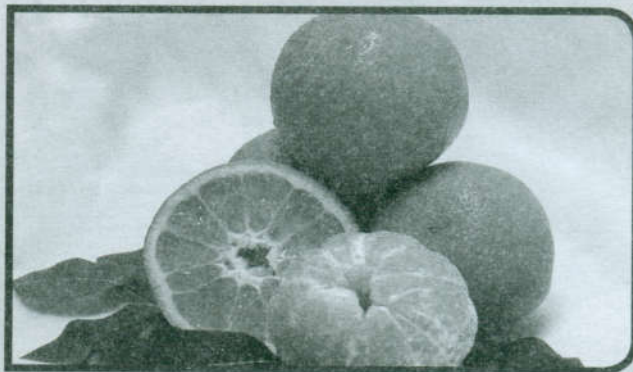
تصورش را بکنید امیر دوی دارد دنبال یک ملخ گوشتالو مثل یک دونده ماراتن می دود! خیلی با مزه است نه؟!



ورود کالای چینه از خلیج!

«خلیج فارس به چین متصل می شود. راه آهن گرگان - اینچه برون، ایران را به روسیه و کشورهای CIS و در آخر به چین متصل می کند.» مبارک است! ولی مگر تا حالا خلیج فارس به چین وصل نبوده؟ اگر وصل نبوده پس چگونه این همه جنس چینی، پدر اقتصاد و تولید کشورمان را درآورده؟

یعنی این همه جنس چینی از مسیری غیر از خلیج فارس وارد ایران می شده و ما خبر نداشتیم؟ شاید هم مسئولین، این راه آهن جدید را ایجاد کرده اند که بوسیله آن کشور ما اجناسش را به چین صادر کند. حتما همین طور است و گر نه خدا به داد بازماندگان نیمه ورشکسته تولیدی برسد که دیگر باید در موردشان گفت: «فاتحه!»



منطق تعطیل است

«تارنگی بندرعباس، خارج از فصل کیلویی ۱۰ هزار تومان، آیا قیمت این میوه منطقی است؟»

حقیقتش را بخواهید ما چند سالی است عادت کردیم در امور روزمره مان، خصوصا آن هایی که به قیمت و این جور مسائل مربوط می شود به دنبال منطق نباشیم. زیرا کلا منطق و مسائل عقلی و بقیه مسئولین مربوطه در این موارد چیزی در حد جفنگ است.

مثلا حالا که فصل پیاز هم هست و پیاز هم یک میوه تشریفاتی نیست و هر بنی بشری روزانه به آن احتیاج دارد، آیا منطقی است که کیلویی ۲ هزار یا بالاتر باشد؟! و آیا قیمت یک درب رادیاتور ماشین ساخت داخل که ۲ هزار و پانصد تومان بوده و حالا شده بیست هزار تومان منطقی است؟ و چرا در قفس هیچ کسی کرکس نیست، گل شبدر چه کم از لاله قرمز دارد؟ پس بیائید چشمای خود را خیلی با دقت بشوییم و این مسائل را جور دیگر ببینیم!